

پشت پرده پاس ندادن به وینیسوس دودستگی در رختکن رئال؟

گزارش


خب، کریم بنزما به تمرین رئال رفت و از وینیسوس معذرت‌خواهی کرد و ماجرای خیر گذشت. کدام ماجرا؟ بنزما بین دو نیمه بازی با گل‌دباخ به فرلان مندی گفت که توپ را به وینیسوس پاس ندهد چون او علیه ما بازی می‌کند؛ مندی هم تنها سه بار توپ را به این بازیکن برزیلی سپرد. در تونل ورزشگاه، مندی و بنزما به زبان فرانسوی داشتند با هم حرف می‌زدند. تیبو کورتوا که به چند زبان مسلط است هم ماجرا را شنیده است. وینیسوس هم که فرانسوی بلد نیست، از طریق شبکه‌های اجتماعی از این موضوع باخبر شد. کلیبی که در اینترنت منتشر شده نشان می‌دهد که بین بازیکنان رئال دودستگی وجود دارد و البته بازیکنان بزرگ تیم از مربی‌شان حمایت نمی‌کنند. بنزما آشکارا از اینکه زین‌الدین زیدان به این بال پرفراز و نشیب بازی می‌دهد ناراضی است. وینیسوس در ال‌کلاسیکو هم بسیار بد بازی کرد. او در بازی با بارسلونا در نیمه دوم سه، چهار موقعیت را خراب کرد و در یک صحنه در حالی توپ را گرفت که اگر آن را رها می‌کرد، بنزما در موقعیت بهتری قرار داشت. در نیمه اول بازی با موشن گل‌دباخ در آلمان هم همین اتفاقات تکرار شد.

بنزما پس از بازی در اینستاگرام نوشت: «سگان واق واق می‌کنند و شماره ۹ عبور می‌کند». او البته شاید بگوید که دلیل این حرفی که به مندی زده این بوده که وینیسوس در این بازی ضعیف کار کرده است. این اولین باری نیست که بنزما از وینیسوس انتقاد می‌کند. او در بازی مقابل اسپانیول در زمستان سال گذشته هم به این بازیکن گفته بود: «سرت را بلند کن». حالا چه اتفاقی می‌افتد؟ احتمالا هیچ چیز. زیدان خواهد گفت که از این مسائل در فوتبال بیش می‌آید اما آیا این اتفاق باعث می‌شود مشکلات رختکن رئال زیر نور پروژکتور قرار بگیرد؟ بله و خیر. مثلاً لوکا مودریچ و رودریگو در ال‌کلاسیکو با هم یک شوخی کردند. مودریچ در حالی که رودریگو کنار زمین ایستاده بود و منتظر ورود به میدان بود، اشتباهی به او پاس داد. رودریگو در توئیتر نوشت: «آرام باش، من حتی به زمین هم نیامده‌ام بابا!» مودریچ هم در جوابش نوشت: «چرا با من یک و دو نکردی؟» این بازیکن ۱۹ ساله برزیلی و این بازیکن ۲۵ ساله کروات رابطه خوبی دارند و زمانی که رئال توانست بارسلونا را در نوکمپ شکست دهد، همه خوشحال بودند اما در مقابل، رفتار بنزما با وینیسوس نشان می‌دهد که این بازیکن چه اقتداری در تیم دارد و این بازیکن ۲۰ ساله برای اینکه بتواند در بلندمدت در مادرید بماند، باید به سرعت عملکرد خود را ارتقا بخشد. سرعت، استقامت، قدرت دریبل و شجاعت او باعث شده که در بازی‌ها موقعیت‌های خوب زیادی برایش پیش بیاید اما ضربات آخر و پاس‌های او عجولانه بوده و او تصمیمات بدی گرفته است. به این ترتیب محصول نهایی چیزی نبوده که مطلوب باشد. بازیکنانی مانند بنزما و راموس در فوتبال همه جام‌ها را کسب کرده‌اند و به این ترتیب از اشتباهات هم تیمی‌ها نمی‌گذرند. روزنامه اسپورت چاپ کاتالونیا هم یک بار نوشت که راموس بایسکوپر سر ناآمادگی‌اش دعوای کرده است. از بیرون، این مسائل دودستگی به نظر می‌رسد اما از دید راموس، او تنها وظیفه خود به عنوان کاپیتان را انجام داده است. رختکن مادرید به باند‌هایی از بازیکنان کشورهای مختلف با سنین مختلف تقسیم نشده است. بازیکنانی مانند تونی کروس و ببیل در گذشته به دلیل اینکه در مراسم شام حضور کمرنگی داشتند از سوی بازیکنان بابی‌اعتنایی مواجه می‌شدند. کروس و ببیل البته رابطه خوبی با بازیکنان تیم داشتند چون در زمین عملکرد خوبی داشتند و در بازی‌های بزرگ می‌درخشیدند. لازمه اینکه در باشگاه‌های بزرگ بدرخشید این است که در زمین طوری بازی کنید که کسی نتواند جای شما را بگیرد. وقتی تیبو کورتوا به رئال آمد، واکنش تندی از سوی راموس دید که طرفدار کیلور ناباس بود اما آیا او ترجیح می‌داد با ناباس وقت بگذراند تا با کورتوا؟ نه. راموس به همراه ناباس سه بار فاتح لیگ قهرمانان شده بود و به همین دلیل، هر دروازه‌بانی که می‌آمد با خشم راموس مواجه می‌شد. اما کورتوا تبدیل به یکی از مهم‌ترین بازیکنان رئال مادرید شده و در ال‌کلاسیکو هم تیش را در جریان بازی نگه داشت و نگذاشت لیونل مسی گل بزند. حالا رابطه راموس و کورتوا خوب است و بخش مهمی از آن به دلیل فرم خوب این دروازه‌بان سابق چلسی است. وینیسوس بازیکن بسیار با استعدادی است، ولی بنزما هم که ۹ سال کنار کریس رونالدو بازی کرده، حس می‌کند این بازیکن نباید در زمین کنار او باشد.

منبع: دیلی میل

ریاست بر این باشگاه غیرممکن است؟

دموکراسی به سبک بارسا



یادداشت

گابریله مارکوتی

مرحله یک چهارم‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا عبور کردند (نه چندان خوب)– بلکه بیشتر به خاطر اقداماتی بود که او انجام داد تا تیم را در کورس رقابت نگه دارد. بارتومنو، خودش یا نزدیکانش، تصمیمات ضعیفی گرفتند که بیشترشان به خاطر نیازهای کوتاه‌مدت بود. بنمار پیشنهاد پاری‌سن ژرمن را می‌پذیرد و با پرداخت مبلغ فسخ قراردادش به مبلغ ۲۲۲ میلیون یورو می‌رود. همه این پول یابیشتر آن صرف خرید عثمان دمبله و فیلیپه کوتینیو می‌شود تا جای فوق‌ستاره پر شود. دمبله همیشه مصدوم است؟ خب، ۴۱ میلیون یوروی دیگر برای مالکوم هزینه می‌شود و بعد تنها شش بازی لیگ در ترکیب اصلی قرار می‌گیرد به خاطر اینکه خوب نیست. کوتینیو نمی‌تواند مبلغ ۱۴۵ میلیون یورویی‌اش را توجیه کند؟ بگذارید ۱۲۰ میلیون یوروی دیگر برای آنتوان گریزمان صرف کنیم اگرچه او هیچ ارتباطی با مسی و لوییس سوارس برقرار نمی‌کند و کاری می‌کند که ماشیه‌احمق‌ها به نظر بیاییم. به یک مهاجم نوک پشتیبان نیاز داریم؟ کوین پرینس بوتانگ را می‌خریم که ۳۱ سال دارد و در طول دوران حرفه‌ای خود تنها یک بار ۱۶ گل یابیشتر در لیگ زده و شاید مهم‌تر از آن اصلا مهاجم نوک نیست.

بارسا تا قبل از سال ۱۹۹۰ در ۶۱ سال تنها ۱۰ قهرمانی لالیگا داشت در حالی که در ۳۰ سال گذشته ۱۶ قهرمانی به دست آورده

البته بارتومنو تصمیمات فوتبالی را نمی‌گرفت اما مسئولیت با او است و این هزینه‌ها عواقب دارد. میزان دستمزدها در دوران او به شدت افزایش یافت. در فصل ۲۰۱۹-۲۰۱۸، میزان دستمزد به ۵۲۹ میلیون یورو رسید که تقریباً بیش از دو برابر تمام باشگاه‌های جهان به‌جز هشت تا بود و ۹۸ میلیون یورو بیش از دومین تیم با بالاترین دستمزدها یعنی رئال مادرید بود. فصل قبل قرار بود صد میلیون یوروی دیگر به آن اضافه شود که به خاطر شیوع ویروس کرونا و موافقت بازیکنان برای کاهش دستمزد این روند متوقف شد. کی‌از عوارض جانبی این موضوع آن بود که بدهی‌ها قبل از شیوع کرونا افزایش پیدا کرده بود و بعد از آن این روند ادامه یافت تا جایی که الان به حدود نیم میلیارد یورو رسیده است. از نظر نقدینگی هم اوضاع اصلا مناسب نیست. عادت بارسلونا برای پرداخت هزینه‌های هنگفت نقل و انتقالات به جایی رسیده که این تیم باید در چند سال آینده ۱۶۸ میلیون یورو پول خالص در انتقالات

هزینه‌کنند. همه به یاد خواهند آورد که اتفاقی غیرقابل تصور یعنی اعلام تمایل مسی برای جدایی از باشگاه در دوران بارتومنو رخ داد. ما از جزئیات رابطه آنها باخبر نیستیم بنابراین نمی‌توانیم قضاوت درستی داشته باشیم. آنچه می‌دانیم این است که بیشتر اقدامات بارتومنو درباره مسی به شدت نتیجه عکس داد چه وقتی که اریک آبی‌دال درباره رختکن حرف زد و موجب اظهارات خشمگینانه مسی شد یا هنگامی که صحبت از کاهش دستمزد شد و مسی یک بار دیگر واکنش نشان داد یا زمانی که گفت صد درصد از ماندن مسی مطمئن است و فوق‌ستاره آرژانتینی‌ای از طریق بوروفکس باشگاه را از علاقه‌اش به جدایی مطلع کرد. همه اینها واکنش‌های کوتاه‌مدت به مسائل کوتاه‌مدت بود و همه غلط.

این جنبه منفی مدل دموکراتیک بارسلونا بود. شما می‌خواهید به نفع باشگاه بلندمدت فکر کنید اما در نهایت مجبور به واکنش کوتاه‌مدت به نگرانی‌های فوری می‌شوید. خوب بودن در هر دو واقعاً سخت است و بارتومنو قطعا در دومی کم آورد. بعد چه می‌شود؟ چند ماه دیگر انتخابات برگزار می‌شود و فرصتی پیش می‌آید برای آنها که در دوران طلایی بارسلونا درخشیدند و آنها که مستقیم یا غیرمستقیم در جدایی بارتومنو نقش داشتند، تا خودشان را نشان دهند. اشاره‌ام به مسی است و بیکه، ژاوی، شاید آندرس اینیستا و سرخیو بوسکتس را هم در بر می‌گیرد. بعضی تا مدتی به بازی ادامه می‌دهند و بعضی دیگر نه و بعضی همین حالا کناره‌رفته‌اند اما آنها باشکو‌ترین دوران تاریخ باشگاه را تعریف کرده‌اند. می‌شود آسان فراموش کرد اما این باشگاه تا قبل از سال ۱۹۹۰ در ۶۱ سال تنها ۱۰ قهرمانی لالیگا داشت در حالی که در ۳۰ سال گذشته ۱۶ قهرمانی به دست آورده‌اند. این مردان حق دارند در شکل‌گیری آینده باشگاه نقش داشته باشند و از این حق، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، با حمایت از کاندیداها و برنامه‌های انتخابات آینده استفاده می‌کنند و در مورد بیکه شاید برای نامزدی ریاست باشگاه در آینده. این نسخه دموکراسی در بارسلونا است. بله کامل نیست و می‌تواند به بحث‌هایی در مورد پایان دوران بارتومنو منجر شود که شما بین حال و آینده گیر می‌افتید و تصمیمات ضعیف می‌گیرید. مطمئناً اگر هدف رسیدن به قهرمانی و عبور از درآمد یک میلیارد دلاری باشد، شاید خیلی بهتر بود که مالکیتشان در اختیار یک میلیاردر قرار می‌گرفت که می‌توانست آدم‌های باهوشی را استخدام کند تا در خونسردی و بدون هیچ فشاری تصمیمات بلندمدت بگیرد. اما این هدف نیست؛ حداقل برای سازمانی که خود را «بیشتر از یک باشگاه» می‌داند.

منبع: ESPN